

## عنوان مقاله:

علوم انسانی ومساله تغییربررسی ظرفیت های علوم انسانی با تأکید بر روش مطالعه تاریخی

## محل انتشار:

دومین کنگره ملی علوم انسانی (سال: 1390)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

## نویسنده:

ابوالحسن فیاض انوش - استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

## خلاصه مقاله:

هر علمی دو گونه هدف را دنبال می کند: 1- هدف نظری: شناخت و پیش بینی تغییرات یک پدیده. 2- هدف عملی: مهار تغییرات نامطلوب و یا ایجاد تغییرات مطلوب در آن پدیده. از این رو میزان علمی بودن هر رشته ای از رشته های علوم نسبت مستقیم دارد با میزان تحقق این اهداف. به نظر می رسد کانون اصلی در هر فرآیند علمی، موضوع یا مسأله تغییر است. بروز تغییر در هر پدیده آزمونی است برای ارزیابی توانمندی های نظری و عملی آن علمی که به بررسی آن پدیده می پردازد. به عبارت دیگر چالش اصلی در هر رشته علمی، شناخت و مدیریت تغییرات در پدیده های موضوع بررسی آن علم است این چالش را مسأله تغییر می نامیم. به لحاظ تاریخی، شکل گیری آن بخش از معارف بشری که علوم انسانی خوانده می شود پی آمد شتاب گرفتن تغییرات در جامعه انسانی بوده است. علوم انسانی از آن روموجودیت یافت و بالید که نیاز به تبیین نظری و مدیریت عملی تغییرات جامعه انسانی، بیش از پیش ضرورت یافت. بنا بر این علوم انسانی، هم مولود تغییرات شتاب آلود جامعه انسانی بوده است و هم عهده دار تبیین و مدیریت این تغییرات. این مقاله در صدد بررسی و واکاوی جوانب مختلف رابطه علوم انسانی و مسأله تغییر است. در پرتو این بررسی است که تلاش خواهد شد به دو پرسش زیر پاسخ داده شود: علوم انسانی از بعد نظری تا چه حد در دستیابی به هدف اصلی اش یعنی تبیین تغییرات در جامعه انسانی موفق بوده است؟ 2- علوم انسانی از بعد عملی چه ظرفیت هایی را تحقق بخشیده و چه ظرفیت هایی را می تواند محقق سازد؟ این مقاله مبتنی بر روش مطالعه تاریخی HISTORICAL STUDY تدوین شده است.

## کلمات کلیدی:

علوم انسانی، مسأله تغییر، تاریخ، روش مطالعه تاریخی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/440349>

